

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۳

تاریخ پذیرش: ۹۳/۶/۱۰

فصل نامه علمی - تخصصی عصر آدینه

سال هشتم، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۹۴

حجت و امام قائم عجل الله تعالی فرجه الیه در آثار ناصر خسرو و مقایسه آن با مهدویت در شیعه امامیه

اسماعیل تاج بخش*

مولود شاگشتاسبی**

چکیده

مهدویت موضوعی است که از سده نخستین هجری مورد توجه مسلمانان به ویژه شیعیان قرار گرفت و فرقه های گوناگون اسلامی درباره آن به اختلاف سخن گفته اند. فرقه اسماعیلیه از گروه هایی است که درباره مهدویت عقاید خاصی دارد. پیروان اسماعیلیه نخست به مهدویت اسماعیل، فرزند بزرگ امام جعفر صادق علیه السلام و سپس محمد بن اسماعیل معتقد شدند و او را امام هفتم و پایان دهنده دور ششم تاریخ مقدس بشریت دانستند. مهدویت در دیدگاه آنان پیوند استواری با اصل امامت دارد و در منابع کلامی، فلسفی و تاریخی آنان به تفصیل درباره آن بحث شده است. حکیم ناصر خسرو قبادیانی سخنور بزرگ اخلاق، دین و عقل در قرن پنجم از معتقدان به موعود نجات بخش است و رد پای این اندیشه را می توان در آثار او مشاهده کرد. تلاش این پژوهش در راستای واکاوی آثار ناصر خسرو قبادیانی، به عنوان یکی از مهم ترین مبلغان مذهب اسماعیلیه و بررسی دیدگاه او نسبت به امام قائم، علامت های پیش از ظهور، روزگار عصر ظهور، نقش و اهمیت امام قائم و نیز مقایسه آن با دیدگاه شیعه امامیه است.

واژگان کلیدی

ناصر خسرو، امام قائم، اسماعیلیه، شیعه امامیه، مهدویت.

* دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی (etaj37@yahoo.com).

** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی.

مهدویت و منجی گرایی، دغدغه تمامی انسان‌ها در دوره‌های مختلف تاریخی بوده است. در ادیان مختلف این باور به نحو ملموسی تجلی یافته است و از منجی با تعبیر متفاوتی مانند «کالکی» در آیین هندو، «مسیحا» در یهود و مسیحیت، «سوشیانت» در زرتشت و در نهایت «حضرت مهدی علیه السلام» در اعتقاد شیعه امامیه یاد شده است. با تأمل در تعبیر و باورهای ادیان گوناگون در رابطه با موضوع مهدویت درمی یابیم که همگی آن‌ها با وجود تفاوت‌های خاص خود، در تأکید بر ظهور یک منجی برای گشودن راه جدیدی فراروی انسان در جهت نیل به سعادت ابدی مشترک‌اند.

موضوع مهدویت از همان قرن اول هجری مورد توجه مسلمانان به ویژه شیعیان قرار گرفت و فرقه‌های متفاوت اسلامی در این باره به اختلاف سخن گفته‌اند. محمد بن حنفیه نخستین کسی بود که کیسانیه او را مهدی موعود خواندند. ابوهاشم عبدالله بن محمد بن حنفیه، عبدالله معاویه، امام محمد باقر علیه السلام، محمد نفس زکیه و امام جعفر صادق علیه السلام از افراد مهمی هستند که در دو قرن اول هجری به عنوان مهدی معرفی شدند. (روحی میرآبادی، ۱۳۸۵: ۵۲)

از مهم‌ترین فرقه‌های اسلامی که اندیشه مهدویت یا باور به منجی در آن نمود پررنگی دارد، فرقه اسماعیلیه است. این فرقه در نیمه دوم قرن دوم هجری با اعتقاد به امامت اسماعیل، پسر ارشد امام جعفر صادق علیه السلام شکل گرفت و بدین ترتیب به عنوان یکی از فرقه‌های تشیع از بدنه اصلی آن - که جناح معتدل شیعه بود و سرانجام به شیعه دوازده امامی مشهور گشت - جدا شد (دفتری، ۱۳۷۵: ۱). مهدویت در دیدگاه اسماعیلیه جایگاهی ویژه دارد و در منابع کلامی، فلسفی و تاریخی آن‌ها در این زمینه به تفصیل سخن گفته شده است. با تأمل در تاریخ اسماعیلیه درمی یابیم که اندیشه موعودگرایی در آن دچار فرازونشیب‌های بسیاری شده است. اعتقاد به یک مهدی متفاوت در هر دوره از تاریخ اسماعیلیه و گاه بازگشت به باورهای گذشته در رابطه با هویت منجی موعود، از جمله این فرازونشیب‌هاست.

بررسی آثار ناصر خسرو قبادیانی حکیم و سخنور بزرگ قرن پنجم، به عنوان یکی از معتقدان به موعود نجات بخش و نیز از مهم‌ترین مبلغان مذهب اسماعیلیه در واکاوی دیدگاه این فرقه نسبت به موضوع مهدویت اهمیتی فراوان دارد. علاوه بر این ناصر خسرو

در خلال آثار خود، دیدگاه خاصی را نسبت به موعودگرایی و باور به منجی مطرح کرده است که سعی ما در این نوشتار، شناخت اندیشه او در باب هویت منجی، روزگار او، نقش و اهمیت امام قائم و نیز مقایسه مختصری میان برخی از اعتقادات او با اندیشه‌های مهدویت در شیعه امامیه است.

در جست‌وجو برای بررسی پیشینه این نوشتار، غیر از چند مقاله مفید مرتبط با مذهب اسماعیلیه، همچون «نظریه امامت در اسماعیلیه» (فرمانیان و هاشمی، ۱۳۹۲)، «پیدایش شیعه اسماعیلیه» (اله‌امی، ۱۳۷۵)، «مهدویت از دیدگاه اسماعیلیان و قرمطیان» (روحی میرآبادی، ۱۳۸۵)، «بازتاب افکار اسماعیلیه در آثار ناصر خسرو» (تاج‌بخش، ۱۳۸۶)، پژوهش دیگری در این زمینه به ویژه با تأکید بر آثار ناصر خسرو قبادیانی انجام نشده است.

مهدویت در دیدگاه اسماعیلیان تا پایان حکومت المستنصر بالله

از آن جایی که ناصر خسرو قبادیانی یکی از مهم‌ترین مبلغان مذهب اسماعیلیه است که تعداد زیادی از روزهای عمرش را در نشر و تبلیغ باورها و گرایش‌ها این فرقه سپری نموده است؛ برای فهم بهتر اعتقادات او از جمله باور به مهدی موعود لازم و واجب است که چشم‌انداز مختصری از شکل‌گیری این باورها را در تاریخ اسماعیلیان تا عهد المستنصر بالله خلیفه فاطمی هم‌عصر او از نظر گذرانند؛ چرا که هر چند اندیشه منجی‌گرایی در تاریخ اسماعیلیه دستخوش تغییرات فراوان گشته است، اما در همه دوره‌های تاریخ اسماعیلی پایه‌هایی از اندیشه منجی‌گرایی وجود دارند که به هم مربوط‌اند و تقریباً بدون تغییر به جا مانده‌اند. به همین سبب ابتدا به تاریخچه مختصری از تحول اندیشه باور به منجی از ابتدای شکل‌گیری فرقه اسماعیلیان تا عصر المستنصر بالله می‌پردازیم تا به درک صحیح‌تری از نظام فکری ناصر خسرو در باب منجی‌گرایی دست پیدا کنیم.

نخستین فردی که برخی از منابع اسماعیلیه او را به عنوان مهدی موعود معرفی کردند اسماعیل است. اسماعیل پسر بزرگ امام جعفر صادق علیه السلام بود که در سال ۱۱۰ هجری در مدینه متولد شد. او از ترس عباسیان همواره در سفر بود و سرانجام در زمان حیات پدرش درگذشت. او در نظر عده‌ای از اسماعیلیان به عنوان امام قائم شناخته شد. آن‌ها معتقد بودند اوزنده و از نظرها غایب است و سرانجام با ظهور وی وعده الهی تحقق خواهد

یافت. بعد از شهادت امام جعفر صادق علیه السلام عده بسیاری از اسماعیلیان به امامت و مهدویت محمد بن اسماعیل معتقد گشتند. در باور آن‌ها امام صادق علیه السلام پسرش اسماعیل را نامزد امامت نمود و چون وی فوت کرد امامت به پسرش محمد می‌رسد. تبلیغات اسماعیلیان از زمان او در حجاز آغاز شد و اعتقاد به مهدویت او در میان بسیاری از اسماعیلیان رسوخ پیدا کرد. بر اساس اعتقاد اسماعیلیان، تاریخ مقدس بشری به هفت دوره تقسیم می‌شود که در هر دوره با یک پیامبر ناطق - که آورنده وحی است - آغاز می‌گردد. هر ناطق یک وصی دارد و بعد از وصی هفت امام خواهند آمد که هفتمین امام بعد از وصی در هر دوره ناطق و پیامبر دوره بعد خواهد بود. بنابراین اعتقاد، محمد بن اسماعیل، هفتمین امام بعد از وصی یعنی حضرت علی علیه السلام در دوره ششم تاریخ بشر است. پس اوقایم قیامت و پایان دهنده این دوره از تاریخ خواهد بود. او که استتار اختیار کرده است، چون ظهور کند ناطق هفتم خواهد بود و تنها در مرتبه اوست که ناطق و اساس یکی خواهند بود. وی دین جدیدی خواهد آورد که شریعت قبلی را نسخ می‌کند؛ تکالیف ظاهری بشری را با منادی تأویل برمی‌دارد و به باطن توجه می‌کند. معتقدان به مهدویت محمد بن اسماعیل او را آخرین فردی می‌دانستند که هم امام بود و هم پیامبر آن‌ها باور داشتند که او زنده است و روزی ظهور خواهد کرد. پایه‌های اعتقادی قرامطه - که شاخه‌ای از اسماعیلیه را تشکیل می‌دادند - بر همین اساس استوار شد. اما در کنار این گروه که محمد بن اسماعیل را مهدی و آخرین امام می‌دانستند گروهی دیگر از اسماعیلیان از جمله ناصر خسرو قبادیانی بر این باور بودند که امامت در فرزندان محمد بن اسماعیل تداوم خواهد داشت و خلفای فاطمی از نسل محمد بن اسماعیل‌اند. دعوت اسماعیلیان تا زمان به قدرت رسیدن عبید الله مهدی به ائمه مستور بود که در منابع گوناگون نام آن‌ها به اختلاف آمده است. آن‌ها امام حاضر را برگزیده خداوند معرفی می‌کردند و وعده ظهور مهدی را به یاران‌شان می‌دادند. قسمتی از ریشه‌های اعتقادی باور به مهدی موعود در دیدگاه ناصر خسرو را می‌توان در تغییرات گرایش‌های دینی در آغاز حکومت عبید الله مهدی جست و چون نمود. با به حکومت رسیدن عبید الله مهدی و تشکیل حکومت فاطمی تغییر بزرگی در اعتقاد اسماعیلیان پدید آمد. عبید الله مهدی در سال ۲۵۹ در سلمیه که مرکز دعوت اسماعیلیان بود متولد شد. آغاز زندگی او در شام بود و عده‌ای را به مغرب فرستاد تا مردم را به ظهور مهدی بشارت دهد و اعلام داشت که مهدی

منتظر یا قائم یکی از احفاد خواهد بود (کرمر ۱۳۷۵: ۱۱۳).

عبیدالله برای این که بتواند خود را مهدی معرفی کند مجبور به ایجاد تغییراتی در اعتقاد اسماعیلیان شد. برای مثال اسماعیلیان نخستین در اصل تنها به هفت امام اعتقاد داشتند که آخرین آن‌ها محمد بن اسماعیل یا همان قائم قیامت بود و در انتظار او به سر می‌بردند. رهبران مرکزی اسماعیلیه پیش از عبیدالله برای خود مقام حجتی امام مستورا قائل بودند و مردم را به اطاعت از او دعوت می‌کردند. اما عبیدالله برای خود و تمامی اسلاف خود - که بعد از محمد بن اسماعیل رهبر نهضت اسماعیلیه بوده‌اند - ادعای امامت و مهدویت کرد. او با انجام این کار در حقیقت مقام خود و اسلاف خود را از مقام حجتی به امامت ارتقا داد و به طور ضمنی مهدویت و امامت محمد بن اسماعیل را رد کرد. حال که عبیدالله مهدویت محمد بن اسماعیل را نفی کرده و خود را مهدی نامیده بود، باید انتظار اسماعیلیان در برقراری صلح، آوردن دین جدید، نسخ آیین قبلی و همه آن‌چه در رابطه با موعود انتظار میرفت را برآورده کند و چون عملاً چنین اتفاقی نمی‌افتاد، او اعتقادات اسماعیلیه را به شیوه نوینی تنظیم کرد. در باور جدیدی که او پایه‌گذاری کرد همه امامان بعد از عبدالله بن جعفر خود مهدی هستند. هر کدام از آن‌ها قسمتی از عدل آرمانی و نهایی که در قیامت به وسیله آخرین امام فاطمی حاصل خواهد شد را تحقق می‌بخشند. در واقع نام محمد بن اسماعیل بر همه امامان حقیقی نسل عبدالله بن جعفر اطلاق می‌شود و در نتیجه مهدویت مخصوص به همه آن‌هاست. بنابراین اعتقاد جدید در دور ششم، آمدن بیش از هفت امام بعد از وصی جایز است. امامان فاطمی هر کدام عهده‌دار بخشی از وظایف قائم منتظر هستند که این وظایف تا قیامت و آمدن آخرین امام فاطمی و برقراری کامل صلح ادامه دارد. المعز - خلیفه چهارم فاطمی - اقدام به اصلاح اعتقادی و تجدید نظر در برخی از عقاید اسماعیلیان در باب مهدویت کرد که این باورها بیشترین نزدیکی را به اعتقادات مهدوی در عصر المستنصر بالله و دیدگاه ناصر خسرو دارد. اصلاحات او تا حدی متضمن بازگشت به عقیده اسماعیلیان نخستین در رابطه با امامت بود. بر این اساس او امامت اسماعیل بن جعفر و پسرش محمد بن اسماعیل را به جای عبدالله بن جعفر که عبیدالله او را جد فاطمیان شمرده بود و نسب خود را به او می‌رسانید پذیرفت. او برای قائم سه حد عالم روحانی، عالم جسمانی و حد داوری روز قیامت قائل شد و برای حد جسمانی قائم دو مرتبه منظور شد: حد ناطق و حد

خلفای راشدین.

قائم نخست در پایان دور ششم تاریخ به عنوان امام هفتم دور اسلام ظاهر شد و به این ترتیب اولین حد جسمانی خود را در شخص محمد بن اسماعیل به عنوان ناطق دور هفتم تاریخ به دست آورد؛ اما چون قائم در دوره سترکامل ظهور کرده بود شریعت او نیز مخفی ماند. به این دلیل قائم، خلفایی برای خویشتن تعیین و در آن‌ها حد جسمانی ثانوی خود را تحصیل کرد. از طریق همین خلفاست که قائم معنای باطنی احکام را بر مردم آشکار می‌کند. در ابتدا خلفا نیز مخفی و مستور بودند، اما آن‌ها با ظهور عبید الله مهدی در دور کشف آشکار شدند. آن‌ها تا پایان عالم جسمانی حکومت خواهند کرد و آخرین آن‌ها حجت قائم خواهد بود. بعد از آمدن حجت قائم، قائم قیامت به حد جدیدی می‌رسد و در دور روحانی ستارگان آشکار خواهد شد و پیش از این که فراتر رود و با نفس کل یکی بشود بر مردم داوری خواهد کرد (دفتری ۱۳۷۵: ۲۰۷). عقیده فاطمیان در دوران المستنصر اساساً همان بود که در زمان المعز پرداخته شده بود (همو: ۲۵۱). ناصر خسرو با زبان رمزی و استعاره غنی خود به گونه‌ای نمادین اندیشه‌ها، مفاهیم و عقایدی را که در آثار فاطمی دوره پیش‌تر به‌ویژه اندیشه‌هایی که بعد از اصلاحات المعز باب شده بود با چاشنی طرز تلقی خود در باب مهدویت بیان نمود. بعد از مرگ المستنصر اسماعیلیان به دوشاخه‌نزاری و مستعلوی تقسیم شدند که از آن جایی که تاریخ فوت ناصر خسرو پیش از این جدایی ثبت شده است. باورهای ناصر خسرو از تحولات این نقطه از تاریخ اسماعیلیه به بعد تأثیر پذیرفته است.

امامت در دیدگاه ناصر خسرو قبادیانی

مفهوم امامت در دیدگاه ناصر خسرو از جایگاهی بسیار ویژه برخوردار است و پیوسته در آثار خود از مفهوم هفت امام بعد از محمد صلی الله علیه و آله یاد کرده است. همچنین او در باب مهدویت و قائم قیامت اندیشه‌های ویژه‌ای را مطرح ساخته است. در آثار ناصر خسرو امام مرکز و مدار بحث حدود اسماعیلی است. علت این امر شاید این است که هدف ناصر خسرو از آن همه تألیف و تلاش در درجه اول اثبات حقانیت امامت فاطمیان مصر و در درجه دوم نجات و رستگاری خود و سایر آدمیان بوده است. در دیدگاه ناصر خسرو خلافت حق مسلم فاطمیان است و المستنصر بالله خلیفه فاطمی مصر، امام برحق و جانشین رسول خداست. از این رو او دفاع از فاطمیان را وظیفه خود می‌شمرد و در راه

تحقق آن تا پای جان می‌کوشد.

وی برای امامت شرایط خاصی قائل است. مثلاً در وجه دین می‌آورد که امام باید از نسب شریف اهل بیت باشد:

پس گوییم اورا هفت چیز بیاید تا اورا امامت باشد: نخست اشارت بسپردن امام گذشته که اورا به امامت نصب کند و دیگر نسب شریف باید که از اهل بیت رسول باشد تا او از دعای ابراهیم بهرمنند باشد و سه دیگر علم دین بایدش که بدان بلند شود درخت امامت ... (قبایانی، ۱۳۴۸: ۲۴۶)

و نیز جای دیگر می‌گوید:

گویم مر آن کس را که اوشیعه خاندان نیست و روا دارد که امام جز از فرزندان رسول باشد و می‌گوید من به حقم اورا گویم تو مسلمان و مؤمن هستی؟ تا گوید هستم پس گویمش تو مر این نام‌ها را به چه روی سزاوار شدی؟ تا گوید مسلمان بدانم که هر چه جز خدا باشد مرورا به خدا تسلیم کردم و جز خدا را نپرستم و...، پس اورا گویم همه جهودان و ترسایان با این اسلام با تو یارند و هیچ کس نمی‌گوید که من جز خدای را می‌پرستم. (همو: ۱۵)

او بر مبنای همین اعتقاد در دیوان می‌آورد:

امام زمان وارث مصطفی که یزدان یار است و خلقتش عیال
ز جد چون بدو جد پیوسته بود به رحمت مرا بهره داد از خیال
(همو، ۱۳۸۷: ۳۲۶)

در این ابیات به دو نکته وراثت و نیز ارتباط امام با خیال اشاره شده است که خیال یکی از سه فرشته مورد نظر اسماعیلیان (جد، فتح، خیال) است. علاوه بر این امام از طریق جد خود نیز با یک فرشته دیگر به نام جد ارتباط می‌یابد.

به عقیده ناصر خسرو امام خلیفه خداوند در زمین است و این مقامی است که او از طریق ارتباطی که با حدود زمینی مثل رسول و وصی دارد به آن می‌رسد و سپس آن را به کمک حدود آسمانی جد و خیال و... تکمیل می‌نماید. ناصر خسرو درباره ارتباط امام و فرشته خیال اعتقاد دارد: «رساننده تأیید به امام زمانه اندر روزگار او (امام) خیال است» (همو، ۱۳۳۸: ۲۰۴).

همین طور در دیوان می‌آورد:

بهترین زمانه هست آن کس که عیال وی اند انسی و جان ...
 فتح را نام اوست فتح بزرگ به مثالش خیال بسته میان
 (قبادیانی ۱۳۸۷: ۳۹۵)

عقیده به ارتباط امام و خیال و نیز ارتباط امام با روح الامین از طریق جد خود پیامبر، یکی از اعتقادات بنیادین فرقه اسماعیلیه است. به همین دلیل است که ناصر خسرو همواره روح الامین را در درگاه المستنصر بالله فاطمی حاضر می بیند و می گوید:
 چو بر منبر جد خود خطبه خواند نشیندش روح الامین پیش منبر
 (همو: ۲۵۵)

امام از طریق وراثت و الهام و ارتباط با حق از حقایق باخبر می شود. بنابراین ناصر خسرو او را خازن علم و اسرار حق می داند. وی در گشایش و رهایش چنین می آورد:

علم خدای در خزینه او امام زمان (خلیفه) است، چنان که خدای تعالی گفت:
 «الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» و هیچ کس را دست به علم خدای نرسد مگر به دستور خزینه دار او، چنان که خدای می گوید: «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ الْمَكُونِ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ». (همو، ۱۳۲۸: ۹۰)

بالاترین درجه مقام امامت از نظر ناصر خسرو علی علیه السلام است که خازن علم کتاب خدا و وارث مقام رسول خداست. این مقام از او به اولاد او و به عقیده ناصر خسرو به فاطمیان و المستنصر می رسد. ناصر خسرو در تأویلات خود می گوید که مقصود از کعبه و حج امام است و چون امام خازن علم خدا و خانه اسرار اوست. پس در نتیجه کعبه جان آدمیان است:

کعبه جان خلق پیکراوست حکمت ایزدی در او مهمان
 (همو، ۱۳۸۷: ۳۹۵)

او همچنین در وجه دین می گوید: «حج کننده مردلیل است بر جوینده مرامام را»
 (قبادیانی ۱۳۰۳: ۱۲۹).

در جامع الحکمتین امام باطن صلوة است یا به تعبیر خود ناصر خسرو:

تأویل باطن صلاة پرستش خدای است به نفس ناطقه به اقبال بر طلب علم کتاب و شریعت سوی قبله ارواح، که آن خانه خداست. آن خانه ای که علم خدا اندر اوست

وآن امام حق است - علیه السلام - . (همو، ۱۳۶۳: ۳۰۸)

در این جا نیز مطلب به امام وحج وکعبه برمی گردد و این نکته ای است که محور اندیشه اسماعیلیان بوده است .

در اعتقاد اسماعیلیان امام صاحب تأیید است او حجت ها را تأیید می کند و خود او تأیید را از اساس دریافت می دارد به قول ناصر خسرو: «امام فایده های تأیید از اساس پذیرد و دعوت مر خلق را سوی قائم کند» (قبادیانی، ۱۳۰۳: ۱۷۱).

درباره چگونگی تأیید امام ناصر خسرو بر این عقیده است:

هر امامی را اندر عصر تأیید است که آن جان و نفس شریف اوست که بر خلق بدان

سالاری کند . (همو، ۱۳۰۳: ۲۲۳)

این تأیید از امام به حجت می رسد و از این روست که ناصر خسرو در دیوانش آورده:

امام زمان وارث مصطفی که یزدان یار است و خلقتش عیال

ز جد چون بدو جد پیوسته بود به رحمت مرا بهره داد از خیال

به تأیید او لاجرم علم و زهد گرفته است در جانم آرام و هال

(قبادیانی ۱۳۸۷: ۳۲۶)

تأیید امام امری آسمانی است و به همین مبناست که ناصر خسرو در وجه دین در شرح و تأویل «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» می گوید:

منظور از کلمه طیبه رسول خدا و منظور از شاخه های آن، فرزندان او هستند که از راه پذیرفتن تأیید به آسمان پیوسته اند و پیوسته حکمت را از عالم بالا دریافت می دارند و به خلق خدای می رسانند.

در دیوان این نکته بدین ترتیب آمده است:

آویخته از آسمان هفتم این جا رسنی هست سخت محکم

آن را نتوانی دید هرگز با خاطر تاریک و چشم پر نم

(همو: ۳۴۶)

در اعتقاد ناصر خسرو و هم فکران او، امام وجه الله است . این احتمالاً به سبب رابطه ای است که امام با واسطه با نفس کل و حدود روحانی دارد و ما می دانیم که نفس به اعتباری

همان وجه الله است. در دیوان این نکته ضمن مدح امام، چنین طرح می‌شود:
 روی یزدان جهان دار و خداوند زمان که ز تأیید خدایی به درش بر حشراست
 رایت شاهان را صورت شیراست و پلنگ بر سر رایت او صورت فتح و ظفر است
 (همو: ۱۸۶)

مهدویت، موعود منتظریا قائم قیامت در دیدگاه ناصر خسرو

با توجه به آن چه گذشت درمی‌یابیم که اعتقاد به مهدی موعود در گذر تاریخ اسماعیلیه دستخوش تغییرات بسیاری شده و دارای فرازونشیب‌های بسیاری بوده است. ناصر خسرو نیز به عنوان یکی از مبلغان مهم مذهب اسماعیلیه با استادی کامل شیوه تأویل باطنی و کنایی خود را درباره نظام اندیشه‌ها، مفاهیم، عقاید و روش‌های تعبیر که در آثار فاطمی مطرح شده‌اند به کار برده است. او باورهای خود و مذهب اسماعیلیه مورد پذیرش در روزگار المستنصر بالله را در خلال آثارش به خوبی منعکس کرده است و بر کسی پوشیده نیست که اندیشه‌ها و سخنان او تأثیری شگفت بر اسماعیلیان تحت هدایت او و حتی آیندگان آن‌ها در روزگاران بعد از وفاتش گذاشته است. ناصر خسرو از بزرگان برجسته اسماعیلی در عهد المستنصر بالله بود و در این عصر اعتقاد به مهدویت و منجی قائم تقریباً شبیه به اعتقادات اسماعیلیان فاطمی بعد از اصلاحات المعز خلیفه چهارم فاطمی بود. در فاصله بین المعز و المستنصر هر چند گروهی از داعیان تندرو به الوهیت الحاکم قائل شده بودند؛ اما نظریه‌ای که رسماً مورد تأیید اکثریت اسماعیلیان فاطمی قرار داشت همان عقایدی بود که المعز، جعفر بن منصور الیمین و دیگر مراجع قدیم فاطمی مطرح ساخته بودند. آن‌ها باور داشتند که امامت در دور محمد ﷺ تا روز قیامت ادامه خواهد داشت. در دیدگاه ناصر خسرو نیز امامت تا قیامت ادامه دارد:

پس گویم که آن یک شخص پیغمبر باشد اندر دور خویش و وصی او باشد اندر عصر
 خویش و امام روزگار باشد اندر هر روزگاری تا جهان برپاست نوع مردم از آن یک شخص که
 بدین مرتبه مخصوص باشد خالی نباشد. (همو، ۱۳۴۸: ۹)

به اعتقاد ناصر خسرو حضرت محمد ﷺ ششمین ناطق بعد از آدم، نوح، ابراهیم، موسی و عیسی ﷺ است. شش امام در پی او خواهد آمد که تکمیل آن‌ها به ظهور امام هفتم یا همان قائم قیامت بسته است و هفتمین امام این سلسله هفتمین ناطق

خواهد بود:

پس گوییم مردین را همچنین سه مرتبت است: نخست از او مرتبت نطق است ... دیگر مرتبت وصایت است ... و سه دیگر مرتبت امامت است ... پس گوییم که این سه مرتبت اندر خلق از سر دور آدم - علیه السلام - تا به آخر دور محمد - صلی الله علیه و آله - بگشت. هر مرتبتی اندر شش تن و هژده تن اندر عالم اندرین سه مرتبت ایستادند. چون آدم و اساس او و امام او، و نوح و اساس او و امام او، و ابراهیم و اساس او و امام او، و موسی و اساس او و امام او، و عیسی و اساس او و امام او، و محمد و اساس او و امام او، علیه السلام، و به هفتم ایشان کار دین تمام شود و آن هفتم نوزدهم باشد مرتن هژده را ... (همو، ۱۳۳۸: ۸۶)

در حقیقت پیامبر اسلام ﷺ آغازکننده دور ششم تاریخ بشریت است و بعد از او حضرت علی علیه السلام وصی وی محسوب می شود. بعد از علی علیه السلام به ترتیب امام حسن، امام حسین، امام زین العابدین، امام محمد باقر، امام جعفر صادق علیه السلام و هفتمین امام که همان قائم قیامت و آغازکننده دور هفتم است، به امامت می رسند. در این میان خلفای فاطمی تکمیل کننده حد جسمانی دوم قائم قیامت هستند؛ که او آن ها را برای آشکار ساختن تعالیم و شریعت خود فرستاده است و هر کدام قسمتی از وظیفه قائم را انجام می دهند. با آمدن آخرین امام فاطمی که همان حجت قائم است عدل در جهان اقامه خواهد شد. قائم قیامت به حد روحانی خواهد رسید؛ با همه پیامبران و امامان ظاهر می شود و بعد از آن به داوری مردم می نشیند. به اعتقاد ناصر خسرو ظهور قائم یعنی هفتمین امام و صاحب دور آخر الزمان امری متعلق به آینده است؛ اما او درباره ظهور قائم قیامت پیش بینی خاصی نمی کند و نیز چنین می نماید که تعداد امامان و سلاله های هفت گانه برای او اهمیتی ندارد. ناصر خسرو به هفت دوره ادوار تاریخ دور مهین می گوید و دوره ششم به بعد، یعنی دوره بعد از پیامبر ﷺ را دور کهین می نامد. به گفته او این دور اخیر از دو بخش تشکیل می شود یکی دور امامان و دیگری دور خلقان که دور قیامت است.

غرض رسالت پیامبران با ظهور قائم برآورده می شود

از نظر ناصر خسرو علت بودش قائم وجود همه پیامبران است؛ یعنی غرض رسالت پیامبران با ظهور حضرت قائم برآورده می شود و عقل نیز حکم می کند که کار پیامبران و

هدف آن‌ها با آمدن قائم به نتیجه برسد. ناصر خسرو می‌گوید که قائم را علت متمه می‌خوانند و عالم به اوبه کمال می‌رسد:

مبدأ سوم را که نورها از نفس کلی بدو پدید آمد علت فاعله خوانند، و نهایت این همه حاصل‌ها به وجود خداوند قیامت باشد و آن را علت متمه خوانند که عالم بدو تمام شود. (همو، ۱۳۳۸: ۷۳)

آمدن حجت قائم پیش از ظهور او

ناصر خسرو می‌گوید که قبل از ظهور قائم قیامت، حجت وی می‌آید و منظور از لیلۃ القدر در سوره قدر همان حجت قائم است. وی می‌گوید:

لیلة القدر خیر من الف شهر... یعنی لاحق (حجت) قائم برتر است از هرامام. (همو، ۱۳۰۳: ۲۲۷)

برتری حجت قائم بر آئمه نشان دهنده عظمت مقام قائم در نظر اسماعیلیان است. ناصر خسرو می‌گوید که قائم را از طریق پنج حد یعنی اساس، امام، باب، حجت و داعی می‌توان شناخت (همو: ۲۲۸).

روزگار پیش از ظهور قائم قیامت

بنا بر اعتقاد ناصر خسرو قبل از ظهور حضرت شروفساد و جنایت و جهل و بی‌عدالتی همه جا را فرا می‌گیرد. دانشمندان، متفکران و مؤمنان در تنگنا هستند و منافقان غالب فقط از علم نامی دارند و کلیه شرایط برای یک انقلاب جهانی و رهایی خلق از ظلم و جهل فراهم و آماده است. او درباره شرایط روزگار در زمان ظهور خداوند قیامت می‌نویسد:

چون هنگام پدید آمدن آن شریف شریفان باشد بندهای شریعت گشاده گردد و خلق مهمل شوند و خون ریختن میان خلق فاش گردد و عدل و رحمت از میان خلق بیرون شود و شروخیانت آشکار شود و دانیان و مؤمنان بیچاره و درمانده شوند و نادانان و منافقان بر ایشان غلبه گیرند و دانیان از دانش به نام بسنده کنند. (همو، ۱۳۳۸: ۲۸۵)

روزگار بعد از آمدن قائم قیامت

در اعتقاد اسماعیلیان و ناصر خسرو روزگار قائم روزگار حکومت اندیشه و سیاست ربانی به یاری نفس قدسی است. در این روزگار نفس کل به کمال می‌رسد و نفس جزئی را جزا و مکافات می‌دهد و علت پیدایش قیامت، کمال نفس کل است:

... پس آن نقصان اندر نفس کلی است که پاداش از او به خلق به وقت تمام شدن آن نقصان رسد و تمامی او اندر به حاصل شدن خداوند قیامت است؛ علیه افضل التحية والسلام. (همو: ۲۴۴)

زیرا با کمال او هستی به غایت و هدف خود می رسد و هدف هستی جز کمال نفس کل چیزی نیست. ناصر خسرو می گوید:

از نفس کل ترکیب این عالم پدید آمد تا ازین ترکیب پدید آید فرزندی که قبول کند فایده های نفس کل را و آن مردی است قائم قیامت که تمامی فواید نفس کل او پذیرد. (همو، ۱۳۰۳: ۷۹)

پس منظور از قوت نفس قدسی همین فواید نفس کل است که توسط امام قائم دریافت می گردد. به تعبیر او:

چون کار به زمان خداوند قیامت علی ذکره سلام رسد و تشبیه و تعطیل که به سبب سخن اندر شهادت آمده است برخیزد و چون کار به اندیشه افتد باقی بندها و ظل ها از امت برگیرند و خلق را نگه دارند به سیاست ربانی و قوت نفس قدسی. (همو، ۱۳۳۸: ۲۸۱)

در روزگار ظهور، خداوند قیامت، باطن شریعت را آشکار می کند و به قول خود ناصر خسرو رمزها از نهفت بیرون می آیند و این ها همگی از طریق قائم صورت می گیرند.

ابو یعقوب سجستانی نیز عصر قائم را روزگار کشف حقایق می داند و می گوید:

چون کار به غایت رسید و نزدیک آمد برداشتن حجاب و پیش آمد دور کشف آشکار شود برهان های روشن ... پس نام آن کس مشتق بود از «هدی» یعنی هیچ کس را از او و از دعوت او بیرون شدن نباشد ... و بدان علم ها راه نماید که آفاق و انفس گواهی دهد ... همه منافقان در دین ایزد شوند ... از این جهت نسبت کرده اند خداوند قیامت را به مهدی. (سجستانی ۱۳۲۷: ۸۱)

خلاصه این که اسماعیلیه به علت تأکیدی که بر مسئله باطن دارند عصر قائم را روزگار گسترش شعور و آگاهی و روشن شدن کلیه حقایق، یعنی حکومت اندیشه و رهایی از جهل و بی خبری می دانند و در آن روز عدالت تحقق می یابد و ظلم و جهل از جهان رخت می بندد.

مهدی موعود در دیدگاه شیعه امامیه و مقایسه آن با قائم قیامت ناصر خسرو

بعد از رحلت پیامبر ﷺ طرح آموزه های مهدویت نخست از جانب حضرت علی علیه السلام مطرح گشت و توسط ائمه هدی علیه السلام ادامه یافت. مهدویت در اعتقاد شیعه امامیه تنها یک نگرش تاریخی یا خبری از آینده بشر نیست، بلکه بخش جدایی ناپذیر از عقیده امامت ائمه اثنی عشر است که امری الهی است؛ به این معنا که پس از رحلت پیامبر ﷺ هدایت الهی از طریق امامان معصوم در بین مسلمانان استمرار می یابد. دوازدهمین امام، حضرت مهدی علیه السلام است که دوران امامتش پس از شهادت پدرگرامی اش در سال ۲۶۰ آغاز شد و تا پس از ظهور ادامه دارد. میان دیدگاه شیعه امامیه و نگاه مذهب اسماعیلیه به مهدی موعود اشتراکات و اختلافاتی وجود دارد. از جمله اشتراکات آن ها می توان به اعتقاد به اهمیت و ضرورت امام در هر زمان، اعتقاد به این که مهدی از اهل بیت علیه السلام است، از نسل فاطمه علیه السلام است، از نسل امام حسین علیه السلام است، شباهت در شمائل و خصوصیات مهدی، غیبت مهدی موعود، سیرت مهدی موعود در ابعاد اجتماعی، سیاسی اشاره کرد. اما نقاط افتراق بین دو فرقه امامیه و اسماعیلیه درباره مسئله مهدویت بسیار است که از مهم ترین آن ها اختلاف در تعیین مصداق مهدی موعود علیه السلام به شمار می رود. در این مقاله تنها به چند مورد از این شباهت ها و تفاوت ها همان گونه که ذکر شد و در آثار ناصر خسرو نمود داشته اند می پردازیم.

هویت مهدی علیه السلام در روایات شیعه امامیه ثابت و مشخص است

بر خلاف روایت های بسیار متعدد و ضد و نقیض اسماعیلیان در باب هویت منجی موعود، مهدی علیه السلام در شیعه امامیه بر اساس روایت های متواتر بسیار که از ائمه علیه السلام نقل شده اند؛ دارای هویت ثابت و مشخص است. از جمله در روایت های متعدد آمده که مهدی علیه السلام نهمین فرزند حسین علیه السلام است. (روایت ۱۴۸)، هفتمین فرزند باقر علیه السلام است. (روایت ۱۰۳)، ششمین فرزند صادق علیه السلام است. (روایت ۹۹)، پنجمین فرزند حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است. (روایت ۹۸)، چهارمین فرزند امام هشتم علیه السلام است. (۹۵) روایت)، سومین فرزند امام محمد تقی علیه السلام است. (۶۰ روایت)، دومین فرزند امام علی النقی علیه السلام و فرزند بلا فصل امام حسن عسکری علیه السلام است. (۱۴۶ روایت) که برای نمونه دو مورد آورده می شود:

او فرزند نهم حسین علیه السلام است

عبد الرحمن بن ثابت از امام حسین علیه السلام نقل می کند که ایشان فرمود:

از ما خانواده دوازده امام است که اولی آن ها امیر المؤمنین علی بن ابی طالب است و آخرین آن ها نهمین فرزند من است. اوقائم به حق است، خداوند زمین را که مرده است به واسطه او زنده می کند و دین حق را اگرچه کفار نمی خواهند بر تمام ادیان پیروز می کند. او صاحب غیبتی است که گروهی از دین برمی گردند و عده ای باقی می مانند؛ ولی آزار می شوند. به آن ها می گویند: «مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِينَ».

مهدی علیه السلام پنجمین فرزند حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است

همچنین از یونس بن عبد الرحمن نقل شده است که روزی خدمت موسی بن جعفر رسید و از ایشان سؤال کرد: ای پسر رسول الله، آیا شما قائم به حق هستید؟ ایشان فرمود:

من قائم به حق هستم؛ ولی آن قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک می کند و از عدل و داد پر خواهد کرد، همان گونه که از ظلم و جور پر شده است، پنجمین فرزند از اولاد من است. او غیبتی بسیار طولانی دارد و از ترس جان خود از نظرها پنهان خواهد بود. در آن زمان گروهی از دین برمی گردند و گروهی به امامت او ثابت هستند. خوشا به حال شیعیان ما که در غیبت قائم چنگ به دامن ما زده اند. آن هایی که در موالات ما و بیزاری دشمنان ما ثابت هستند. ایشان از ما آیند و ما از آن هاییم. آن ها خشنود به امامت ما و ما خشنود به شیعه بودن ایشان هستیم.

با توجه به آن چه گذشت ثابت می شود که منجی قائم در تفکر شیعه امامیه یک فرد مشخص و معین است. او حضرت مهدی علیه السلام پسر بلا فصل امام حسن عسکری علیه السلام است و پس از شهادت آن حضرت، امام و پیشوای مسلمانان و جانشین پیغمبر خواهد بود. اعتقاد به امامان دوازده گانه یکی از محوری ترین باورهای شیعه امامیه است و این مطلب ریشه در روایات متواتری دارد که از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده که امامان را دوازده نفر و به تعداد نقبای بنی اسرائیل معرفی فرموده اند و بلکه این مضمون را اهل سنت در کتاب های معتبر خود همچون صحاح شش گانه ثبت کرده اند.

آمدن وصی امام مهدی علیه السلام پیش از ظهور ایشان

همان گونه که ملاحظه کردیم در باور ناصر خسرو پیش از ظهور قائم قیامت، حجت او

که به اعتقاد وی آخرین خلیفه فاطمی و از نسل المستنصر بالله است خواهد آمد. با آمدن اوزمینه برای ظهور قائم قیامت و رسیدن به حد داوری آماده می شود. همچنین بر عقیده اسماعیلیان هفتمین امام یا همان ناطق هفتم که قائم قیامت است برخلاف پیامبران قبلی که همگی وصی داشتند وصی ندارد. او شریعت جدیدی نمی آورد و در نتیجه وصی ندارد که تأویلات او را آشکار سازد. در دیدگاه ناصر خسرو منظور از لیلۃ القدر در آیه دوم سوره قدر همان حجت امام قائم است و این گونه تفسیر می کند که حجت قائم برتر است از هرامام، که نشان از اهمیت شأن و منزلت حجت قائم در دیدگاه او دارد.

بنابر معتقدات شیعه امامیه پیش از ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) وصی ایشان خواهند آمد و زمینه را برای ظهور آماده می کنند. با توجه روایتی از حضرت علی (ع) تعبیر می شود که ایشان فرزند حضرت مهدی (عج) هستند. قرآن کریم به قیام وصی امام مهدی (عج) پیش از ظهور ایشان اشاره می کند:

﴿مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِلُوا تَقْتِيلًا * سَنَنَّ اللَّهُ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾؛ (احزاب ۶۱-۶۲)

آن ها ملعون هستند هر کجا یافت شوند، گرفته و به سختی کشته خواهند شد. سنت خداوند است که در پیشینیان نیز بوده است و هرگز در سنت خداوند تبدیل و تغییر نخواهی یافت.

دشمنان خداوند بعد از رسول الله (ص) توسط مهدی به هلاکت می رسند و این مهدی، همان وصی امام مهدی (عج) است که از خراسان یا مشرق قیام می کند. امیرالمؤمنین (ع) فرمود:

پس نظر کنید به اهل بیت پیامبران؛ اگر سکوت کردند، سکوت کنید، و اگر از شما یاری خواستند، آن ها را یاری کنید. پس خداوند فتنه ها را توسط مردی از ما اهل بیت از میان می برد. پدرم فدای فرزند بهترین کنیزان! کسی که به آن ها جز شمشیر بی ملاحظه ندهد که به مدت هشت ماه شمشیر بردوشش است، تا جایی که قریش گویند: اگر از فرزندان فاطمه (ع) بود به ما رحم می کرد. خداوند او را بر بنی امیه مسلط می کند تا این که آن ها را دگرگون و نابود سازد. (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۱۲۱)

طبق این آیه و تفسیر امام علی (ع) متوجه می شویم آن کسی که فتنه ها را از بین می برد و بنی امیه را نابود می سازد و خداوند او را بر آن ها مسلط می کند، کسی است که شمشیر را هشت ماه بردوشش حمل می کند و با توجه به حدیث بعدی متوجه می شویم که این

شخص، حضرت صاحب الزمان علیه السلام نیست؛ بلکه فرزند امام مهدی علیه السلام است که پیش از امام مهدی علیه السلام قیام می کند. امام علی علیه السلام فرمود:

و مردی پیش از او (مهدی) از فرزندانش به اهل مشرق خروج می کند. او شمشیر را هشت ماه بردوشش حمل می کند. (ابن طاووس، ۱۴۱۴: ۶۶)

شرایط و احوال زمانه قبل و بعد از ظهور مهدی علیه السلام

همان طور که اشاره شد ویژگی های ظاهری مهدی علیه السلام، شرایط زمانه قبل و بعد از ظهور، و موضوعات کلی شبیه به این، از جمله مواردی است که اسماعیلیه و شیعه امامیه در آن اتفاق نظر دارند. نویسندگان اسماعیلی از آثار شیعیان امامیه بهره بسیاری برده اند، چنان که بسیاری از روایت هایی که درباره مهدویت و عصر ظهور قائم قیامت در منابع آن ها نقل شده در منابع امامی نیز درباره حضرت مهدی علیه السلام آمده است.

بنا بر اعتقاد ناصر خسرو قبل از ظهور حضرت مهدی شروفساد و جنایت و جهل و بی عدالتی همه جا را فرا می گیرد. او روزگار زمان ظهور خداوند قیامت را روزگار خون ریختن و خیانت معرفی می کند که کلیه شرایط برای یک انقلاب جهانی و رهایی خلق از ظلم و جهل فراهم و آماده است. همان گونه که در روایات شیعه امامیه نیز مشابه همین دیدگاه ها ذکر شده است.

محمد بن مسلم می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: قائم ما منصور به رعب است و مؤید به نصر؛ زمین برای او درنور دیده شود و گنج های خود را ظاهر سازد، سلطنتش شرق و غرب عالم را فرا گیرد و خدای تعالی به واسطه او دینش را بر همه ادیان چیره گرداند ... در زمین ویرانه ای نماند جز آن که آباد گردد و روح الله عیسی بن مریم علیه السلام فرود آید و پشت سر او نماز گزارد. راوی گوید: گفتم: ای پسر رسول خدا، قائم شما کی خروج می کند؟ فرمود: آن گاه که مردان به زنان تشبیه کنند و زنان به مردان، و مردان به مردان اکتفا کنند و زنان به زنان، و صاحبان فروج برزین ها سوار شوند و شهادت های دروغ پذیرفته شود و شهادت های عدول مردود گردد و مردم خون ریزی و ارتکاب زنا و رباخواری را سبک شمارند و از اشرار به سبب زبانشان پرهیز کنند و سفیانی از شام خروج کند و یمانی از یمن و دربیداء خسوفی واقع شود و جوانی از آل محمد که نامش محمد بن حسن - یا نفس زکیه - است بین رکن و مقام کشته شود و صیحه ای از آسمان بیاید و بگوید حق با او و شیعیان اوست؛ در این هنگام است که قائم ما خروج کند. (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۹۲)

همچنین در باور ناصر خسرو روزگار قائم، روزگار حکومت اندیشه و سیاست ربانی به یاری نفس قدسی است. در این روزگار نفس کل به کمال می‌رسد. حقایق بر مردم آشکار می‌شود. باطن امور پدیدار می‌شوند و عدالت زمین را فرا خواهد گرفت. شبیه به همین دیدگاه شیعیان امامی باور دارند که مهدی علیه السلام بعد از ظهور دست به تشکیل نظامی اجتماعی خواهد زد که در آن، عدالت، مشخصه بارز و برجسته خواهد بود. این عصر، روزگار شکوفایی و گسترش دانایی و مدینه آرمانی اسلام، شهر علم و دانش است. با آمدن مهدی علیه السلام، همان‌گونه که ظلم و بیداد، جای خود را به عدل و دادگری می‌سپارد، جهل و نادانی نیز جای خود را به علم و دانایی می‌دهد. ۲۵ شعبه و شاخه از علوم را که تا عصر ظهور ناشناخته می‌ماند آن حضرت در میان مردم منتشر می‌سازد. دستش را بر سربندگان می‌گذارد و عقول آن‌ها را با آن کامل می‌کند تا آن جاکه زنان، در خانه‌ها، با کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قضاوت کنند.

غرض رسالت پیامبران با ظهور قائم برآورده می‌شود

از دیدگاه ناصر خسرو، غرض رسالت پیامبران با ظهور حضرت قائم برآورده خواهد شد. او علت متمّه است که عالم با او به کمال می‌رسد و کار پیامبران و هدف آن‌ها با آمدنش به نتیجه خواهد رسید.

این‌که علت غایی و نهایی آفرینش جهان و آمدن همه پیامبران با ظهور مهدی علیه السلام اقامه خواهد شد از اندیشه‌های مشترک ناصر خسرو و شیعه امامیه است. در روایات متعدد شیعه و سنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا مِنِّي يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي وَ اسْمُ أَبِيهِ اسْمُ أَبِي يَتْلُو الْأَرْضَ عَذْلًا كَمَا مِلْتُ ظُلْمًا؛ (همو؛ ج ۵۱، ص ۷۴)

اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی می‌کند تا این‌که مردی از امت و خاندان مرا که هم‌نام من باشد مبعوث کند؛ تا زمین را از عدل و داد پر نماید همچنان‌که از ظلم و جور پر شده بود.

این روایت یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت آینده را حاکمیت کامل عدل و برچیده شدن بساط جور و تبعیض در زمین بعد از پرشدن آن از ظلم و جور، می‌داند. تعبیر «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا» در این حدیث اشاره به این است که ظهور حضرت، يك فرمان حتمی و قطعی خداوند و یکی از نوامیس آفرینش بشر است که اگر نباشد آفرینش بشر به

هدف نهایی نمی‌رسد. خداوند، انسان را برای تکامل آفریده است. اگر این جامعه با ظلم و جور نابود شود، هدف آفرینش انسان، تأمین نشده است. پس باید شخصی قیام کند، ظلم و ستم را برچیند، دست جهان انسانیت را بگیرد و حاکمیت عدل و داد را بر جهان استوار سازد.

نتیجه‌گیری

انتظار آینده بهتر و ظهور دولت حق و عدل، در طول تاریخ مرفی‌ترین آرمان اجتماعی بوده است. باورداشت مهدویت و اعتقاد به وجود نجات‌بخش گیتی بر گروه و مذهبی خاص محدود نیست و به صورت اعتقاد دینی مشترک در میان ادیان و مذاهب جایگاهی ویژه دارد. شناخت دیدگاه مذهب اسماعیلیه به عنوان یکی از فرقه‌های شناخته شده شیعیان که اعتقادات پراکنده و بسیار زیادی در رابطه با منجی موعود در طول تاریخ خود داشته‌اند در زمینه مهدویت پژوهی اهمیت فراوانی دارد. با توجه به این که ناصر خسرو قبادیانی از مبلغان بزرگ مذهب اسماعیلیه به شمار می‌آید؛ کاوش در آثار او که از جمله محدود آثار به جا مانده از این فرقه است برای نیل به این مقصود بسیار حائز اهمیت است.

با تأمل در تاریخ اسماعیلیه درمی‌یابیم که اندیشه موعودگرایی در آن دچار فرازو نشیب‌های بسیاری شده است و در میان ادوار تاریخ اسماعیلیان بر سه‌رہویت قائم قیامت و مسائل پیرامون موضوع مهدویت اختلاف نظر وجود داشته است. عبید الله مهدی خلیفه اول فاطمی و المعز خلیفه چهارم در تغییر اعتقادی اسماعیلیان نسبت به منجی موعود بسیار مؤثر بوده‌اند.

مفهوم امامت در دیدگاه ناصر خسرو جایگاهی بسیار ویژه دارد. همچنین او در باب مهدویت و قائم قیامت اندیشه‌های خاصی را مطرح کرده است. در آثار ناصر خسرو امام مرکز و مدار بحث حدود اسماعیلی است. او برای امامت شرایط خاصی قائل است. از جمله این که امام باید از نسب شریف اهل بیت باشد. در دیدگاه او امام خلیفه خداوند در زمین است و از طریق ارتباط با حدود زمینی مثل رسول و وصی و نیز آسمانی چون سه فرشته فتح و جد و خیال این مقام را تکمیل می‌کند. همچنین امام از طریق وراثت، الهام و ارتباط با حق از حقایق باخبر می‌گردد و به علم خداوند دسترسی می‌یابد. ناصر خسرو با

استادی کامل باورهای خود و مذهب اسماعیلیه مورد پذیرش در روزگار المستنصر را در خلال آثارش به خوبی منعکس نموده است. اعتقاد او در موضوع مهدویت شبیه به اعتقادات اسماعیلیان فاطمی بعد از اصلاحات المعز خلیفه چهارم فاطمی است. در دیدگاه ناصر خسرو امامت تا روز قیامت ادامه دارد. در حقیقت پیامبر اسلام ﷺ آغاز کننده دور ششم تاریخ بشریت است و بعد از او حضرت علی علیه السلام وصی وی محسوب می شود. بعد از علی علیه السلام به ترتیب امام حسن، امام حسین، امام زین العابدین، امام محمد باقر، امام جعفر صادق علیه السلام و هفتمین امام که همان قائم قیامت و آغاز کننده دور هفتم است به امامت می رسند. در این میان خلفای فاطمی تکمیل کننده حد جسمانی دوم قائم قیامت هستند که او آن ها را برای آشکار ساختن تعالیم و شریعت خود فرستاده است و هر کدام قسمتی از وظیفه قائم را انجام می دهند. با آمدن آخرین امام فاطمی که همان حجت قائم است عدل در جهان اقامه خواهد شد. قائم قیامت به حد روحانی خواهد رسید و بعد از آن به داوری مردم می نشیند.

مهدویت در اعتقاد شیعه امامیه تنها یک نگرش تاریخی یا خبری از آینده بشر نیست؛ بلکه بخش جدایی ناپذیر از عقیده امامت ائمه اثنی عشر است که امری الهی است. به این معنا که پس از رحلت پیامبر ﷺ هدایت الهی از طریق امامان معصوم در بین مسلمانان استمرار می یابد و دوازدهمین امام، حضرت مهدی علیه السلام است که دوران امامتش تا پس از ظهور ادامه دارد. میان دیدگاه شیعه امامیه و نگاه مذهب اسماعیلیه مورد پذیرش ناصر خسرو نسبت به مهدی موعود، اشتراکات و اختلافاتی وجود دارد. از جمله اشتراکات آن ها می توان به اعتقاد به اهمیت و ضرورت امام در هر زمان، اعتقاد به این که مهدی از اهل بیت است، از نسل فاطمه علیه السلام است، از نسل امام حسین علیه السلام است، شباهت در شمائل و خصوصیات مهدی، غیبت مهدی موعود و سیرت مهدی موعود در ابعاد اجتماعی و سیاسی اشاره نمود. اما نقاط افتراق بین دو فرقه امامیه و اسماعیلیه درباره مسئله مهدویت بسیار زیاد است که مهم ترین آن ها اختلاف در تعیین مصداق مهدی موعود است.

هویت مهدی موعود برخلاف روایت های بسیار متعدد و ضد و نقیض اسماعیلیان در این زمینه، در باورهای شیعه امامیه ثابت و مشخص است. روایت های متواتر بسیاری از ائمه علیهم السلام موجودند که این امر را اثبات می کنند.

بر اساس اعتقاد ناصر خسرو قائم قیامت وصی ندارد. قبل از او حجت وی خواهد آمد و با ظهور قائم، دور قیامت آغاز می‌گردد. در احادیث شیعه امامیه قبل از ظهور مهدی موعود علیه السلام وصی ایشان خواهد آمد که با توجه به حدیثی از حضرت علی علیه السلام از فرزندان مهدی علیه السلام است و زمینه را برای ظهور آماده می‌کند.

بسیاری از روایت‌هایی که درباره مهدویت و عصر ظهور قائم قیامت در منابع اسماعیلیه نقل شده، در منابع امامی نیز درباره مهدی علیه السلام آمده است. از جمله می‌توان به روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام تا زمان امام جعفر صادق علیه السلام در زمینه ویژگی‌های ظاهری مهدی و روزگار قبل و بعد از ظهور مهدی علیه السلام اشاره نمود. از دیدگاه این هر دو فرقه غرض رسالت پیامبران با ظهور قائم قیامت برآورده خواهد شد. ظهور حضرت مهدی علیه السلام یک فرمان قطعی و حتمی خداوند است، با ظهور او عدل کامل بر جهان چیره خواهد شد و بساط ظلم و تبعیض برچیده می‌شود.

با توجه به آن چه گذشت درمی‌یابیم که هر چند تعابیر و باورهای مربوط به دیدگاه ناصر خسرو در زمینه منجی موعود و شیعیان امامی دارای تفاوت‌های عمیق و اساسی است؛ اما در نهایت تأکید هر دو بر ظهور یک منجی برای گشودن راه جدیدی فراسوی انسان در جهت رسیدن به سعادت ابدی مشترک‌اند.

از آن جایی که منابع تاریخی اصیل فرقه اسماعیلیه نوعاً از بین رفته است و مأخذ عمده اطلاعات ما درباره این فرقه از کتاب‌هایی است که به قلم مخالفان ایشان نوشته شده پژوهش در تاریخ اسماعیلیه که سرشار از نقاط ابهام و پیچیدگی است بسیار دشوار است. عقاید و اندیشه‌های این فرقه به ویژه در زمینه مهدویت دارای نقاط ابهام و گره‌های باز نشده بسیاری است که نیاز به تحقیق موشکافانه و گسترده با مراجعه به همه منابع معتبر دارد. این پژوهش گامی کوچک در راستای نیل به این هدف برداشته است که برای رسیدن به کمال مقصود در این زمینه نیاز به تحقیقات گسترده‌تر است.

منابع

- ابراهیم حسن، حسن، *تاریخ سیاسی اسلام*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران، جاویدان، چاپ هفتم، ۱۳۷۱ ش.
- ابن طاووس، علی بن موسی، *اقبال الأعمال*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۴ ق.
- استرن، س. م، *اولین ظهور اسماعیلیه در ایران*، ترجمه: سید حسین نصر، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰ ش.
- الهامی، داوود، «پیدایش شیعه اسماعیلیه»، *فلسفه و کلام*، ش ۱۷، ۱۳۷۵ ش.
- آیتی، نصرت الله، «نقد و بررسی آراء مدعیان مهدویت با تکیه بر آراء احمد الحسن»، *مشرق موعود*، سال هفتم، ش ۲۵، ۱۳۹۲ ش.
- تاج بخش، پروین، «بازتاب افکار اسماعیلیه در آثار ناصر خسرو»، *آینه پژوهش*، دوره ششم، ش ۱۰۷ و ۱۰۸، ۱۳۸۶ ش.
- دفتری، فرهاد، *تاریخ و عقاید اسماعیلیان*، تهران، فرزانه روز، ۱۳۷۵ ش.
- روحی میرآبادی، علی رضا، «مهدویت از دیدگاه اسماعیلیان و قرمطیان»، *تاریخ اسلام*، ش ۲۷، ۱۳۸۵ ش.
- سجستانی، ابویعقوب، *کشف المحجوب*، تهران، انجمن ایران و فرانسه، ۱۳۲۷ ش.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر*، قم، نشر آیت الله صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰ ش.
- صدر، محمدباقر، *امام مهدی علیه السلام حماسه ای از نور*، ترجمه: کتابخانه بزرگ اسلامی، تهران، الامام المهدی، ۱۳۹۸ ق.
- غنوی، امیر، «طرح اندیشه مهدویت از امام علی تا امام سجاد علیه السلام»، *مشرق موعود*، سال هفتم، ش ۲۷، ۱۳۹۲ ش - الف.
- _____، «طرح اندیشه مهدویت از سوی امام باقر علیه السلام»، *مشرق موعود*، سال هفتم، ش ۲۸، ۱۳۹۲ ش - ب.
- فرمانیان، مهدی؛ ریحانه هاشمی، «نظریه امامت در اسماعیلیه»، *امامت پژوهی*، ش ۱۰، ۱۳۹۲ ش.
- قبادیانی، ابومعین حمیدالدین ناصر بن خسرو، *جامع الحکمتین*، تهران، طهوری، ۱۳۶۳ ش.

- _____، *خوان الاخوان*، تهران، مهرگان، ۱۳۳۸ ش.
- _____، *دیوان اشعار ناصر خسرو*، تهران، معین، ۱۳۸۷ ش.
- _____، *گشایش و ره‌ایش*، بمبئی، انجمن اسماعیلی، ۱۳۲۸ ش.
- _____، *وجه دین*، برلین، کاویانی، ۱۳۰۳ ش.
- _____، *وجه دین*، تهران، طهوری، ۱۳۴۸ ش.
- کربن، هانری، *تاریخ فلسفه اسلامی*، تهران، کویر، ۱۳۷۷ ش.
- کرمر، جوئل، *احیای فرهنگی در عهد آل بویه*، ترجمه: محمد سعید حنایی، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
- مامقانی، عبدالله، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، قم، مؤسسه آل البيت: لاهیات التراث، ۱۳۸۹ ش.
- مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، «حکومت صالحان، وعده الهی»، *انتظار موعود*، ش ۵، ۱۳۸۱ ش.
- نوبختی، حسن بن موسی، *فرق الشیعه*، ترجمه: محمد جواد شکور، تهران، نشر علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱ ش.
- هاجسن، مارشال، *فرقه اسماعیلیه*، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۷۸ ش.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله، *جامع التواریخ*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۸ ش.

